

نقد و بررسی آراء بلاشر درباره جمع و تدوین قرآن^۱

دکتر مجید معارف

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

صورت مسئله‌ای شخصی بر حسب اجتهادات صحابه - در دوران ابوبکر - و یا اقدامی حکومتی - در دوره عثمان - آنها را ناظر به منافع قومی و قبیله‌ای خاص اعلام کرده است. این نظرات با توجه به پیش فرض‌های خاص خاور شناسان^۳ در مطالعات اسلامی و روش تحقیق ویژه آنان، قابل نقد و تأمل جدی است.

کلید واژه‌ها: جمع قرآن، مصحف، مصاحف صحابه، قراءات، اختلاف قرائت، جمع ابوبکر، جمع عثمانی، مصحف امام، کاتبان وحی، حفظ و حافظان وحی.

چکیده:

یکی از شخصیت‌های خاور شناس معاصر، رژی بلاشر فرانسوی^۲ است. وی در مقدمه مبسوطی که به مناسبت ترجمه قرآن به زبان فرانسوی بر این کتاب نگاشته، بحث‌های گسترده‌ای درباره تاریخ و علوم قرآنی انجام داده که از مهمترین موضوعات آن مسئله جمع و تدوین قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از رحلت آن بزرگوار است. بلاشر در تحقیقات خود، کتابت و تدوین قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را غیر کامل دانسته و همین کار را پس از آ « حضرت به

طرح مسئله

از مسائل مهم در حوزه تاریخ قرآن، موضوع جمع و تدوین قرآن در دوره‌های مختلف است که قرآن پژوهان مسلمان و غیر مسلمان اهتمام ویژه بدان مبذول داشته‌اند. رژی بلاشر در مطالعات خود به این موضوع توجه وافر به خرج داده و کوشیده است با تکیه است تا با تکیه بر قرائن تاریخی جمع قرآن در دوره رسالت و نیز جمع و تدوین قرآن در دوره خلفای سه‌گانه را مورد مطالعه قرار دهد. بنا بر تحقیقات او:

الف - قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله - علی رغم نگارش های پراکنده - ماهیتی حافظه‌ای داشت، در واپسین سالهای حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نگارش و تدوین قرآن به جدی در دستور کار مسلمانان قرار گرفت، معهدا در آستانه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله همه قرآن به صورت مکتوب وجود نداشت. (همو، ۳۰ و ۳۱)

ب - پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله هر کدام با صلاحدید و سلیقه خود مصحفی برای خود تهیه کردند. این مصاحف اختلافاتی با هم داشتند (همانجا، ۶۶) و پیدایش

مصحف ابوبکر هم اقدامی در همین

راستا (همانجا، ۵۴)

ج - در دوره خلافت عثمان، اختلاف قرائت سبب بروز اختلافات اجتماعی شد. در پی این واقعه عثمان به یکی ساختن مصاحف روی آورد، لکن با انتخاب هیئتی خاص از وابستگان خود و اشراف مکه، قرآنی تدوین کرد که عمدتاً منعکس کننده منافع قومی قریش گردید. (همانجا، ۷۵ الی ۷۷)

آراء بلاشر گرچه نکات قابل توجهی در روشن ساختن وضعیت قرآن مجید در سوره های نخست بدست می‌دهد، اما از جهت نتیجه‌گیری بر عدم نگارش کامل قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، بزرگ نمائی در اختلافات مصاحف صحابه و نیز حکومتی جلوه دادن اقدام عثمان در توحید مصاحف، با آراء قرآن پژوهان مسلمان اختلاف فاحش داشته و نیازمند تأمل و نقد جدی است.

۱. بلاشر و جمع و تدوین قرآن در

عصر پیامبر صلی الله علیه و آله

بلاشر معتقد است که: « تاریخ قرآن و پیشرفت علوم قرآنی وابسته به سه عامل بوده است:

الف - استفاده از خطی بسیار ناقص
الاصل برای نوشتن قرآن

ب - فقدان نسخه‌ای از وحی که به
رهبری شخص محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام یافته باشد.

ج - با توجه به موارد یاد شده - نقص
کتابت و فقدان متن ثابت لایتنغیر -
مراجعه به حافظه و نقل شفاهی. «همو، ۱۵»

وی پس از تحلیلی درباره کیفیت خط
عربی در قرن ششم میلادی و شواهدی
از ابزارهای نگارش - که به عقیده او هر
دو ریشه در خارج از سرزمین‌های عربی
داشته‌اند - در عین حال وجود تعدادی
کاتب در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پذیرفته و
نگارش قرآن در این دوره را مورد تاکید
قرار می‌دهد. او در همین بحث از کتابت
قرآن و حفظ آن به عنوان دو وسیله‌ای
که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای حفظ وحی به کار
برده نام می‌برد، گرچه معتقد است: « ما
نام کسانی را که کاتب وحی بوده‌اند
می‌دانیم ولی مسلماً هیچکدام از روایات،
زمان مشخصی را که این کاتبان به کتابت
وحی پرداخته‌اند، بطور دقیق معین
نمی‌کند و گاهی هم این اسامی با هم
نمی‌خوانند.» (همانجا، ۱۵ الی ۲۷ با تلخیص)
نتیجه آنکه بلاشر تصریح می‌کند که: از
تاریخ نزول وحی‌های اولیه، تا موقعی که
این آیات به قید تحریر درآمد، یک

فاصله زمانی وجود داشته است این امر
به عقیده بلاشر دلایلی داشته است از جمله:

الف: عدم آگاهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از رسالتش

بلاشر می‌گوید: «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آغاز
ندانست که برگزیده خدای قادر است و
این سخنان سرآغاز تبلیغی است که بر
اثر آن دنیای عرب دگرگون خواهد شد
و به دنبال آن، هیچ کس در آن موقع و
همان لحظه به فکر حفظ وحی نیفتاده
بود مگر در حافظه و وقتی پیشنهاد شد
آنها را بنویسند که مدت زمانی از آغاز
نزول وحی گذشته بود و آن هنگامی بود
که مسلم شد این وحی، نخستین جمله
یک پیام طولانی خواهد بود. حتی بعدها
پس از مهاجرت به مدینه در سال ۶۲۲
میلادی و در تماس با جوامع یهود و
بر اثر رویداد حوادثی بود که مسلم گردید
قانون جدید می‌بایستی تضمین کتابت یابد.»
(همانجا، ۳۰)

ب: فقدان امکانات مادی

بلاشر معتقد است که یکی از دلایل عدم
نگارش کامل قرآن در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
به ویژه در نخستین سالهای پیامبری،
نبودن امکانات لازم برای چنین کاری
بوده است به این صورت که: « فقدان
امکانات مادی نیز مانع بود تا یک چنین

وحیی که در مسافرت‌ها، به هنگام نماز، طی شب و روز و در اوقات مختلف دیگر به بدیهه و بی مقدمه نازل می‌شد، به قید کتابت در آید... لذا در زمان حیات شخص پیغمبر مجموعه کوچکی از سوره‌ها که به ترتیب درازی سوره‌ها تنظیم شده بوده تهیه گردیده بود. همچنین بنا به روایتی که ارزش تاریخی آن مشکوک است، یکی از خواهران خلیفه آینده عمر، برگه‌ای در اختیار داشته که بر روی آن سوره طه نوشته شده بود و آن را با صدای بلند می‌خوانده است ... تمام این واقعیات، ما را بر آن می‌دارد که چنین نتیجه‌گیری کنیم که به کتابت در آوردن وحی در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله شامل تمام متن نبوده و احیاناً دستخوش احتمالات و تصادفات بوده است ... اساساً در دوران محمد صلی الله علیه و آله حافظه به عنوان وسیله اساسی نقل و حفظ قرآن شمرده می‌شد. حتی علامت گذاری کتبی (اعراب گذاشتن) آیات نازل شده، نه تنها اثر این نیروی عقلی (حافظه) را کاهش نداد، بلکه سرانجام باین نتیجه متناقض رسید که حافظه را خدمتگذار ضروری خویش سازد.» (همو، ۳۰ و ۳۱ با اندکی تلخیص)

طرح پرسشها:

در اینجا از ناحیه بلاشرد پرسش‌هایی قابل طرح است:

۱. آیا دلیلی داریم که در زمان حیات محمد صلی الله علیه و آله آن عده از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله که قرآن را از حفظ داشتند - و چنانکه خواهیم دید تعدادشان محدود است - تمامی قرآن را در حافظه خود ضبط نموده باشند؟ برای این پرسش نیز در روایات پاسخ لازم هست به این صورت که از طریق روایات درمی‌یابیم که محمد صلی الله علیه و آله روزی از مجلس وعظی می‌گذشت و شنید که واعظ قسمتی از قرآن را از حفظ می‌خواند. پیغمبر که دچار هیجانی شدید شده بود، دریافت که این قسمت را فراموش کرده بود و فقط این تصادف باو امکان داد که آن را باز یابد (و وقتی پیامبر نتواند به حفظ کامل قرآن نائل شده و آیات را فراموش کند، تکلیف صحابه معلوم است) این موضوع که ارزش تاریخی آن قابل بحث است به وسیله آیتی از سوره بقره یعنی « ما ننسخ من آیه او ننسها ...» (البقره، ۱۰۶) تأیید شده است. در این آیه برخی از مفسران «ننسها» را به معنای مبهم آن گرفته‌اند یعنی « متروک سازیم» ولی

جهان خواهد بود و آن روز قیامت است با این گونه آیات که « اقترب للناس حسابهم ..» (الانبیاء، ۱) یعنی: نزدیک شد برای مردم حسابشان (بلاشر، ۴۰) و حاصل کلام کازانوا آنکه «نزول آیات قرآن در مکه در محور معاد، مسلمانان را در حالت روحی خاصی قرار داده بود که گویا هر لحظه ممکن است قیامت فرا رسد و اصلاً احتیاجی احساس نمی‌شد که به چنین کاری مبادرت شود زیرا « ساعت» نزدیک بود و جهان فنا می‌شد وقتی تصمیم گرفتند این کار را انجام دهند که دیگر خیلی دیر بود، لذا وقتی که متوجه شدند این « ساعت» به آینده دوری احاله شده، فهمیدند که شایسته است تا تحقق این امر و رسیدن ساعت منبع اساسی قانون را تثبیت نمایند.» (همو، ۴۰ و ۴۱)

موضع بلاشر نسبت به تحلیل کازانوا

بلاشر با تحلیل کازانوا در خصوص عدم تدوین کامل نسخه‌ای از وحی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله موافقت نشان نمی‌دهد اما سعی می‌کند به نوبه خود تحلیل‌هایی در این زمینه ارائه دهد از جمله:

۱ - احتمالاً محمد و معاصران او انجام کاری که منجر به ایجاد نسخه‌ای از

مفسرینی هم آن را به معنی اصلی‌اش می‌گیرند یعنی از خاطره‌ها محو ساختن، لذا بدین ترتیب، حتی پس از ورود محمد صلی الله علیه و آله به مدینه - که این آیه مربوط به این دوران است - آیاتی منحصرأ از طریق از برخوانی و شفاهی نقل می‌شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توانسته آنها را با امحاء از حافظه مؤمنان منسوخ سازد، بدیهی است که چنین وضعی می‌توانسته تا پایان دوران رسالت ادامه یابد. ... لذا به طوری که دیده شد، دومین وسیله حفظ قرآن در نخستین نسل اسلامی نمی‌توانسته است عاری از نقص باشد، از آن به بعد لزوم تضمین فوری مجموعه وحی به وسیله کتابت، احساس می‌شد. (همو، ۳۲ و ۳۳)

۲ - به چه دلیل محمد صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود، به گروه بندی منظم آیاتی که نازل شده بود و تدوین آن در یک مجموعه پرداخت؟ ... نیز چه دلایلی وجود داشته که محمد صلی الله علیه و آله را منصرف ساخته تا یک متن ثابت لایتغیری از وحی را به جامعه خود بدهد؟ کازانوا در اینجا پاسخی می‌دهد که دور از ته‌وور نیست و آن اینکه قرآن مدام درباره رسیدن روزی صحبت می‌کند که پایان

معیار کتاب آسمانی شود را کفرآمیز می‌دانستند و در نتیجه کلمه به کلمه از این قسمت مبهم قرآن تبعیت کرده‌اند که خدا فرمود: «ان علینا جمعه و قرآنه» (القیمه، ۱۷) زیرا در این آیه خداوند حق انجام کاری را که ما تعجب می‌کنیم چرا پیامبر صلی الله علیه و آله بدان مبادرت نورزیده ویژه خود می‌داند.

۲- بدون گفتگو به حافظه انسانی نیز اعتماد شده و تصور گردیده که حافظه انسانی برای نقل متن مقدس کتاب، نسلی بعد نسل کفایت می‌کند.

۳- بدون شک باید به عوامل ذکر شده به این خصوصیت روانی عرب هم فکر کرد که چون فریفته حال می‌باشد، هرگز به آینده توجه نمی‌کند، لذا هیچ کس بفکر تشکیل مصحف قرآنی نیفتاده، زیرا هیچ کس در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نیازی احساس نکرده است. به همان ترتیب که هیچ کس بفکر تعیین دقیق جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله نیفتاده، تا وقتی که این مساله بر اثر فقدان رئیس جامعه مطرح شد.

۴- فرض وجود قرائت‌های مختلف از قرآن در آن زمان و اشکالاتی که در حفظ همه قرائات وجود داشت، عامل

دیگری در عدم کتابت همه قرآن شد، آیا درست بود که قسمتی از قرآن را به عنوان متن ثابت تعیین کنند و بقیه را رها سازند؟ باضافه هرکسی در آن زمان به نمونه‌ای مختلف و پراکنده از قرائت‌ها برخوردار بود (مانند عمر بن خطاب و هشام بن حکم که هر کدام قرائتی از سوره فرقان را یافته بودند)

در اینجا مطلب بر سر اثبات این موضوع است که از همان صدر اسلام پیغمبر از برتری دادن یک قرائت بر قرائت‌های دیگر احتراز جسته است ... در نتیجه ممکن است تدوین مصحف بوسیله پیامبر صلی الله علیه و آله انجام نشده باشد، زیرا او خود احساس می‌کرد که کاری است بس حساس که مزایایش در برابر محظوراتش نامعلوم بود. اگر پیغمبر چنین پیش بینی کرده باشد مسلماً تایید و تثبیت متن بامید آینده واگذاشته شده است. (بلاشر، ۴۲ الی ۴۵ با اندکی تلخیص)

دیدگاه بلاشر: جمع‌بندی از آنچه به طور مفصل در باره نظریه بلاشر گذشت می‌تواند دو نتیجه به شرح زیر عنوان نمود:

الف - تمام قرآن در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد نگارش قرار نگرفت و قسمتهایی از وحی در حافظه‌ها قرار گرفت.

ب - تضمینی هم وجود ندارد که قرآن در حافظه‌ها محفوظ باقی مانده و دچار فراموشی نشده باشد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بعضاً دچار فراموشی گردید.

الف: نقد نظریه بلاشر درباره جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

برداشت‌های بلاشر با توجه به آنچه در مقام آسیب شناسی تحقیقات مستشرقان از نظر گذشت موضوعی طبیعی است که نباید از بیان آن تعجب کرد، زیرا اگر کسی امروز به صحیح بخاری مراجعه کند خود را با این حدیث مواجه می‌بیند که « عن عایشه قالت سمع النبی صلی الله علیه و آله رجلاً یقرأ فی المسجد فقال رحمه الله لقد اذکرنی کذا وکذا آیه اسقطتها فی سورۃ کذا و کذا » (بخاری، ۴۲۸/۸) یعنی: از عایشه نقل شده که او گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که شخصی در مسجد مشغول قرائت قرآن است. در اینجا گفت خدا او را رحمت کند که آیه فلان و فلان را که من در سوره فلان و فلان (به دلیل فراموشی) ساقط کرده بودم را به خاطر من آورد.

آیا با وجود چنین روایاتی می‌توان بر امثال بلاشر خرده گرفت که می‌نویسد: « آیا دلیلی داریم که در زمان حیات

محمد صلی الله علیه و آله صحابه تمام قرآن را (بدون فراموشی) در حافظه ضبط نموده باشند؟»، البته اشکالی که به بلاشر وارد است آنکه چرا او به عوض استدلال به آیه: « ما ننسخ من آیه او ننسها » - که به تعبیر او آیه‌ای مدنی است - به آیه: « سنقرئک فلا تنسی الا ماشاء الله انه یعلم الجهر و ما یخفی » (الاعلی، ۷ و ۸)، توجه نکرده است که اولاً این آیه در مکه نازل شده و ثانیاً حاوی وعده جمیل خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله که حضرتش هرگز دچار فراموشی نگردد و قطعاً وعده خدا تخلف ناپذیر است. اما استثنای «الا ماشاء الله» در معنای آیه شریفه: « ولئن شئنا لنذهبن بالذی اوحینا الیک ثم لا تجد لک به علینا نصیراً الا رحمه من ربک ان فضله کان علیک کبیراً » (الاسراء، ۸۲) است. یعنی بیان قدرت پروردگار بر انشاء رسول خدا صلی الله علیه و آله نه ضرورتاً اثبات فراموشی برای پیامبر (طباطبائی، ۳۲۹/۲۰). بنابراین حدیث بخاری مخالف قرآن است و بخاری و بلاشر به این مطلب مهم توجه نکرده‌اند.

ب: رسول خدا صلی الله علیه و آله از همان آغاز بعثت بر امر رسالت خود واقف بوده و به عبارتی نسبت به امر رسالت خود بصیر

و بینا بود. در این خصوص در سوره یوسف آمده است که: «قل هذه سبیلی ادعوا لی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی» (همان، ۱۰۸)

ج: با تکیه بر شواهد تاریخی و در درجه نخست گواهی خود قرآن ثابت می شود که از همان سالهای اقامت در مکه و مدت ها پیش از هجرت قرآن نوشته شده و دست به دست می گشته است (رامیار، ۲۵۷) لذا فقدان امکانات مادی در مکه، که بلاشدر طرح نموده توهمی بیش نبوده و نمی تواند دلیلی بر عدم کتابت جامع قرآن باشد.

د: با تحلیلی که درباره «انگیزه های حفظ قرآن در مکه» در منابع علوم قرآنی شیعه آمده است (خوئی، ۲۵۳، رامیار، ۲۳۸، معارف، ۹۷) ثابت می گردد که حفظ قرآن و کتابت آن به عنوان دو وسیله هم عرض مد نظر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمنان را به هر دو موضوع توصیه می فرمود و هرگز نمی توان کتابت قرآن را پدیده ای در طول حفظ آن در نظر گرفت و اسناد کتابت قرآن در مکه و یا مطلق کتابت و نویسندگی در این شهر شاهد این نتیجه گیری است.

ه: وعده الهی که «انّ علینا جمعه و قرآنه» (القیمه، ۱۷) تعارضی با سیاست های پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیه به نگارش وحی ندارد و اساساً وعده «جمع الهی» از طریق دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله قابل تحقق است، دلیل این موضوع توجه به رابطه آیه: «ثم انّ علینا بیان» (همان، ۱۹) با آیه: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیههم» (النحل، ۴۴) که آیه اول بیان قرآن را در عهده خداوند اعلام کرده و آیه دوّم رسول خدا صلی الله علیه و آله را مأمور تبیین قرآن معرفی می کند و جمع هر دو آیه این خواهد شد که در مواردی بیان الهی از آیات قرآن، از طریق توضیحات پیامبر صلی الله علیه و آله که خود از خداوند آموخته است، به مردم ابلاغ می گردد.

و: موضوع اختلاف قرائت که دلیل دیگری جهت عدم تدوین قرآن در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله طرح شده، از اساس واقعیت ندارد و بنا بر عقیده محققان شیعه اختلاف قراءات و قرائت های خاص هر یک از صحابه، ریشه ای در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد و حدیث «احرف سبعة» و قراءات گوناگون از مسائلی است که در اواخر

قرن اول پیدا شده است. (عسکری، ۱۲۱/۲ الی ۱۳۰، خویی، ۱۷۷ الی ۱۷۸) ز: برخلاف نظر بلاشر ضرورت وجود مصحف و قرآن مکتوب در همان عصر رسالت احساس گردید، این موضوع ارتباطی با تماس با یهودیان مدینه ندارد، بلکه ارتباط با موضوعیت کتابت قرآن از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله از یک سو، و اقدام آن حضرت جهت ارسال مصاحف به قبایل تازه مسلمان از سوی دیگر دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را تنها از همراه بردن مصحف به سرزمین‌های دشمنان یا معرکه‌های جنگ نهی فرمود. (ابن ماجه، ۹۶۱/۲، ابوداود، ۳۶/۳ و نیز مصادر دیگر را نک: عاملی، ۸۵)

ح: برخلاف نظر بلاشر موضوع تعیین جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله از همان دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله مد نظر خدا و رسول، قرار گرفت، البته این مطلبی کلامی است که شیعه و اهل سنت در خصوص آن نظر واحدی ندارند اما مراجعه به روایات وارده در خصوص علنی شدن بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که در کتب تاریخی و حدیثی وارد شده گواه روشنی بر تصریح این مطلب است که پیامبر فرمود: «نخستین کسی که به من ایمان آورد، او خلیفه، برادر و وصی من خواهد بود. در

این جا علی علیه السلام ایمان خود را به پیامبر اظهار داشت، و بعدها حضرت علی علیه السلام به همین مطلب احتجاج می‌فرمود. (نک: طبری، ۳۲۲/۲)^۴

۲ - بلاشر و جمع قرآن بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله

الف - ابوبکر و جمع قرآن

بلاشر جمع قرآن در دوره خلافت ابوبکر را - مطابق روایاتی که - در منابع اهل سنت وارد شده - می‌پذیرد، گرچه در برابر آن پرسش‌های جدی نیز وارد کرده است او می‌نویسد: «رحلت پیغمبر و به دنبال آن انسداد باب وحی و عدم امکان پرسش از معلم و رهبر درباره نکات مبهم قرآنی، موجب بروز موقعیت جدیدی شد و مسائلی را مطرح کرد که منجر به انجام کاری شد که پیغمبر شخصاً دست بدان نیازیده بود.» در این هنگام وحی به چه ترتیبی حفظ می‌شد؟

۱ - از یک طرف عده‌ای معدود از مؤمنان، وحی را تقریباً به تمامی از حفظ داشتند که متأسفانه همه احادیث درباره نام ایشان وحدت نظر ندارند ... چون در این مساله بحثی نیست که قسمت بیشتر وحی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلقاً به حافظه سپرده شده بود، بنابراین طبیعی

است که این فکر پیش بیاید که هر سوره‌ای مدت مدیدی در بند حافظه گردآورندگان بوده است. و در این دوره باید اختلافاتی بروز می‌کرد. بدون شک این اختلافات باید خیلی بیشتر از اختلافات سالهای نخستین تبلیغ می‌بوده است.» (همو، ۴۸)

۲- از طرف دیگر قطعات متعددی از قرآن مکتوب از موادی خارج از قواعد رائج تشکیل شده است... اما آیا این مجموعه‌ها با نسخه‌های مختلفی وجود داشته‌اند؟ این را نه می‌توانیم تایید کنیم و نه تکذیب. با وجود این اگر هم نسخه‌های متعددی وجود داشته، احتمال اختلاف ناشی از کار نسخه نویسان نیز قابل تأمل است. نیز، ابتدایی بودن الفبا و ثابت نبودن املاء کلمات، موجب تشدید اختلاف در ضبط کلمات و تغییر تلفظ کلمات گردید.

آخرین تجزیه و تحلیلها نشان می‌دهد که حتی در زمان حیات محمد صلی الله علیه و آله حافظه امین واقعی وحی و ضامن نقل وحی به وسیله قلم بوده است، بدین موقعیت بسیار حساس، خطر دیگری نیز افزوده می‌شود و «آن اینکه در جنگ «عقرباء» که بر علیه پیغمبر دروغی

مسيلمه (پایان سال ۱۱ هجری) انجام گرفت، عده‌ای از مؤمنان که قرآن را در حافظه داشتند شهید شدند.» (همو، ۵۰)

با این زمینه چینی، بلاشر به سراغ روایات جمع قرآن در خلافت ابوبکر رفته و این روایات را به طور کامل نقل می‌کند. علی رغم آنکه در این روایات با وحشت و نگرانی نسبت به از بین رفتن قرآن، هشدار داده شده است، بلاشر به نتیجه کار و تأثیر عملی جمع قرآن در دوران ابوبکر توجه کرده و با نوعی ناباوری نسبت واقعی بودن ترس ابوبکر و عمر نسبت به از بین رفتن قرآن، نتیجه کار زیدبن ثابت را تعقیب می‌کند به طوری که پرده از انگیزه واقعی هیئت جمع کننده قرآن - ابوبکر، عمر و زیدبن ثابت برداشته شود وی می‌نویسد: «مساله تاریخ گردآوری قرآن به وسیله زیدبن ثابت روشن نیست. در باره تاریخ این کار نیز شکی وجود دارد: یعنی وقتی زید به کار پرداخت ۱۵ ماه به مرگ ابوبکر مانده بود. بنابراین بیشتر قابل قبول است که اوراق در عهد عمر پایان یافته باشد. ولی مطلب بدینجا پایان نمی‌پذیرد. تشکیل مصحف در موقعیتی که عمر را به وحشت انداخت، چه تأثیری می‌توانست داشته باشد؟ منطقاً

جامعه به مجموعه وحیی احتیاج داشت که مورد قبول همه واقع شده و همه آن را پذیرفته باشند. آیا چنین چیزی بود؟ هرگز، زیرا اوراقی که مصحف را تشکیل می‌داد ملک شخصی ابوبکر و عمر بود نه ملک خلیفه رهبر جامعه. به طور کلی مسأله بدین می‌ماند که خلیفه اول و جانشین او، مشکل فقدان یک مجموعه کامل وحی را احساس کرده و به یکی از کاتبان وحی که باوفاتر از همه بود و سابقاً نیز به وسیله محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این کار گماشته شده بود مأموریت می‌دهند که مجموعه‌ای از وحی را برای ایشان تهیه نماید. در اینجا می‌توانیم از خود پرسیم که آیا ابتکار عمر - خواه به موافقت و تایید ابوبکر رسیده باشد و یا نه - علت دیگر نداشته است؟ مثلاً میل شخصی او به داشتن یک مصحف از وحی، همانطور که سایر صحابه پیامبر داشته، انگیزه او نبوده؟ به عبارت دیگر، در فکر ابوبکر و عمر مسأله تحمیل یک نسخه معین به جامعه مؤمنان مطرح نبوده است. فقط مسأله این بود که رهبر جامعه نسبت به چند نفر دیگر از صحابه که موقعیت بهتری داشتند پایین‌تر نباشد» (همانجا، ۵۴)

ب - پیدایش مصاحف صحابه در این دوران
 بلاشر وجود مصاحف متعدد صحابه را - همزمان با تدوین مصحف در دوره ابوبکر با استناد به روایات تاریخی می‌پذیرد به این صورت که: «مقارن زمانی که مصحف شخصی خلیفه تدوین می‌شد، نسخه‌های دیگری هم به ابتکارات فردی تشکیل می‌گردید. و گردآورندگان این مصاحف نیز از صحابه پیامبر بود ... تعداد این مصاحف زیاد بود و اشتباه است که تصور کنیم فقط مصاحفی وجود داشت که نامشان در کتابهای بعدی آمده است.» اما این مصاحف چه شدند؟ «در پایان قرن چهارم هجری مجلدات و یا نمونه‌هایی از آنها وجود داشته ولی آنچه بنظر می‌رسد این است که تعداد آنها خیلی کم و نادر بود و آنچه هم بود ناقص می‌بوده است.» (همانجا، ۵۴ الی ۵۶ با اندکی تلخیص)

در اینجا بلاشر از سالم بن معقل، عبدالله بن عباس، عقبه بن عامر، عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، مقداد بن عمرو، ابوموسی اشعری و علی بن ابی طالب رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ به عنوان برخی از صاحبان مصاحف یاد کرده و در خصوص

ویژگی‌های این مصاحف - از جهت تعداد سوره‌ها، انگیزه تدوین و احیاناً ترتیب و یا گروه بندی سوره‌ها در این مصاحف توضیحاتی می‌دهد. وحتى نمونه‌هایی از اختلافات مصاحف را نقل می‌کند. (همانجا، ۶۴)

نتایج آراء بلاشر در بحث مصاحف صحابه در دوره ابوبکر

اهم نتایجی که بلاشر از جمع قرآن در دوره ابوبکر گرفته و نیز بحث مصاحف صحابه به شرح زیر است:

۱- در باره تدوین مصحف، چه در مورد خلیفه ابوبکر باشد و چه درباره سایر صحابه پیغمبر، هنوز مساله ایجاد متن واحدی در میان نیست. (همو، ۶۶)

۲- مقایسه ترتیب سوره‌ها در مصاحف ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود بخوبی اختلاف زیاد موجود در توالی سوره‌ها را در سه مصحف نشان می‌دهد. این اختلاف در همه مجموعه حفظ می‌شود. حال آیا این مساله در مورد سایر مصاحف هم وجود داشته است؟ جوابش روشن نیست. بطور کلی آنچه مورد اطمینان است این است که اگر پیغمبر اکرم در حیات خود شخصاً به مقابله وحی پرداخته بود، این اختلافات

بوجود نمی‌آمد. اگر چنین کاری براستی تحقق یافته بود هیچیک از تلمیذان بدون شک جرأت نمی‌یافت نظمی را که استاد برقرار کرده بود درهم ریزد. (همو، ۶۷)

۳- در این مصاحف نظم و ترتیب رعایت نشده بود، در مصحف ابن مسعود برخی از سوره‌ها وجود نداشت. در صورتی که ابی بن کعب بر عکس دو سوره کوتاه را به دست می‌دهد که هر چند امروزه در قرآن موجود نیست، اما محتوی آنها برای ما محفوظ مانده است. و شاید که این دو سوره در مصحف ابوبکر وجود نداشته است. (همانجا، ۶۷)

۴- این مصاحف در جزئیات و در قرائتها خیلی متفاوت بوده‌اند. مع ذلک امروز ما نمی‌دانیم که آیا قرائتهایی که بعدها به ابی، علی رضی الله عنه و ابن مسعود و غیره نسبت داده شده، آیا مربوط به این عصر می‌باشد یا نه. با وجود این، بسیاری از این قرائتها به نخستین مصاحف می‌رسد. چنانکه ظاهراً هنوز یکی از آنها برای ما قابل دسترس است مثل سوره عصر به شرح:

قرآن موجود: « والعصر، ان الانسان لفی خسر، الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»

قرائت منسوب به ابن مسعود: «والعصر ان الانسان لفي خسر. و انه لفيه الي آخر الدهر. الا الذين ...»

قرائت منسوب به علي عليه السلام: « والعصر و نوائب الدهر. ان الانسان لفي خسر و انه فيه الي آخر الدهر الا الذين آمنوا و ...» (همانجا، ۶۸)

۵- رسم الخط اين مصاحف که صوتی محض بوده، مسلماً يکنواخت و يکدست نبوده است آیا لازم است که در اينجا باز تکرار کنیم که رسم الخط معمول آن روزه که هنوز تکامل نیافته بود، مسلماً امکان نمی‌داد که بدون مراجعه به حافظه، به قرائتی مطمئن دست یافت؟ اين حقایق مسلماً نشان می‌دهد که علی رغم شور مسلمانان متعدد، ضبط متن کامل وحی‌ها هنگام رحلت محمد صلی الله علیه و آله کامل و رضایت بخش نبوده است.

«... بنا بر این، هیچیک از رؤسای حکومت که ب فکر مصالح جامعه بوده، نمی‌توانسته چنین وضعی را متحمل گردد و دیر یا زود می‌بایستی یک متن ثابت غیر قابل تغییری از قرآن به دست می‌داد و کاری را که پیامبر خود انجام نداد، او بعهده می‌گرفت.» (همانجا، ۶۹)

نقد آراء بلاشر در باره جمع قرآن در زمان ابوبکر

در تحلیل بلاشر پیرامون « جمع قرآن در زمان ابوبکر» نکات ارزنده و قابل توجهی وجود دارد که از جمله آن تحلیل انگیزه ابوبکر و عمر نسبت به جمع قرآن و نهایتاً شخصی دانستن قرآن ابوبکر است که به این دلیل هیچ کاربرد اجتماعی هم پیدا نکرد، بلکه هدف ابوبکر و عمر آن بود که در فضیلت جمع قرآن یا صاحب مصحف بودن، از سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله عقب نباشند (همو، ۵۴). و لذا این قرآن به عنوان مصحف حکومتی از عمر به عثمان منتقل نگشت بلکه به عنوان ارث در اختیار دختر عمر، حفصه قرار گرفت (همانجا، ۷۱) اما در عين حال در خصوص آراء بلاشر انتقادات چندی وجود دارد که اهم آنها به قرار زیر است:

الف - بلاشر نگارش قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبول دارد، در عين حال بر این باور است که تا زمان وفات پیامبر صلی الله علیه و آله همه قرآن مکتوب نشده بلکه بیشتر وحی مطلقاً به حافظه سپرده شده بود (همانجا، ۴۷)، و یا لا اقل «علی رغم شور مسلمانان متعدد، ضبط متن

کامل وحی‌ها هنگام رحلت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و رضایت بخش نبوده است (همانجا، ۷۰) « این نتیجه‌گیری خلاف واقعیت‌های تاریخی از جمله: تعداد کاتبان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وجود ابزارهای نگارش مختلف در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و انگیزه و تصمیم پیامبر در مکتوب سازی قرآن است که در کتابهای تاریخ قرآن به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. (از جمله نک: رامیار، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۳ و ۲۷۵ و ۲۸۰)

ب - بلاشر در تحلیل‌های خود بر روایات و مدارک اهل سنت اعتماد کرده است، لذا به همان نتیجه‌ای رسیده که پیشگامان جمع قرآن در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تصریح کرده‌اند مثل اینکه: «موقعیت جدید مسائلی را مطرح کرد و منجر به انجام کاری شد که پیغمبر شخصاً دست بدان نیازیده بود.» (همو، ۴۵) این عین ادعای ابوبکر است که در پاسخ به پیشنهاد عمر در موضوع جمع قرآن گفت: «چگونه دست به کاری زخم که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام نداده است.» (بخاری، ۵۸۰/۶) و نیز مشابه آن ادعای زید بن ثابت که همین جمله را در مقابل ابوبکر و عمر به زبان آورد (همانجا،

۵۸۱/۶ و نیز نک ابن ابی داود، ۱۲ و ۱۳) اشکالی که به بلاشر وارد است آنکه وی در موضوع جمع و تدوین قرآن به همه روایات موجود در کتب اهل سنت نیز توجه نکرده است. مثل این حدیث زید بن ثابت که: « کنا حول رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرِّقَاعِ » (نقل از صاحب المبانی، ۴۹ نیز نک: زرکشی، ۲۳۷/۱ و ۲۵۶ و سیوطی، ۲۰۲/۱ هر دو به نقل از حاکم نیشابوری) و این حدیث تاریخی از دو نوع کتابت در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حکایت دارد که عبارتند از: نگارش قرآن به شیوه متفرق و دیگر تالیف جامع قرآن از روی رقعها. با این وجود طرح انگیزه‌ای «چون عدم ضبط کامل قرآن در حیات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خطر از بین رفتن قرآن با کشته شدن قاریان» انگیزه‌ای جدی و واقعی نیست.

ج - بلاشر وجود مصاحف صحابه را به عنوان یک واقعیت تاریخی به رسمیت شناخته است این موضوع در نظریه بلاشر به گونه‌ای مطرح شده که عملاً جمع قرآن به وسیله ابوبکر و عمر تحت الشعاع قرار می‌گیرد. در عین حال وی اختلاف مصاحف صحابه را - بدون توجه به صحت یا سقم روایات وارده -

وی در تحلیل‌های خود با منابع شیعه ارتباطی نداشته است، که در این صورت بر وی مسلم می‌گشت که امامان شیعه نه تنها بر قرآن موجود صحه گذاشتند بلکه بر قرائت آن نیز مطابق قرائت رائج در بین مردم تاکید کردند (کلینی، ۶۳۱/۲ و ۶۳۲) **هـ** - بر خلاف نظر بلاشر که معتقد است پیامبر صلی الله علیه و آله در حیات خود شخصاً به مقابله وحی دست نزد، برخی از شواهد حکایت از ختم قرآن در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط آن حضرت و توسط برخی از صحابه دارد (عاملی، ۷۱: ختم القرآن فی العصر النبوی، علی الصغیر، ۷۷). علاوه بر آن در مواردی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود از جمله ابن مسعود به خواندن قرآن و عرضه آن بر حضرتش دستور می‌داد (ابن اثیر جزری، ۲۸۳/۳ و ۲۸۷) چنانکه این موضوع در سیره علی بن ابی طالب نیز متداول بود (عسکری، ۱۸۲/۱) به نقل از کنز العمال، و به این ترتیب قرآن بارها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابیانش نزدیک به او از جمله علی بن ابی طالب، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود ختم و مقابله گردید.

ج - جمع قرآن در خلافت عثمان

بلاشر با تکیه بر روایات تاریخی جمع قرآن در زمان خلافت عثمان را طرح

امری جدی دانسته و آن را بزرگ کرده است. اما فرضی که بلاشر در باره آن به تحقیق نیز نپرداخته رواج آموزش و قرائت قرآن در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و در نتیجه برخوردار شدن قرآن از تواتر است. (خوئی، ۲۵۶، معرفت، ۱۵۹)

بر مبنای این فرض نمی‌توان نسبت به روایاتی که به برخی از مصاحف زیاده - مانند مصحف ابی بن کعب - و نقصان - مانند مصحف عبدالله بن مسعود - نسبت می‌دهند، اعتماد نمود و از آن تحریف و تنقیص قرآن را نتیجه گرفت. وضع روایاتی که در باره اختلاف ترتیب سوره‌ها و یا اختلاف متن آیات در مصاحف صحابه اغراق می‌کند، بهتر از این نیست.

د - علی‌رغم بزرگ نمایی بلاشر در موضوع مصاحف صحابه و اختلافات آن، وی نتوانسته از تواتر قرآن موجود و ارزشمند بودن آن نزد مسلمانان شانه خالی کند، لذا تصریح کرده است که «شگفتا که علی‌رغم بحث‌هایی که خوارج و شیعه بر مصاحف عثمانی روا می‌داشتند باز هم همان مصحف عثمانی خیلی زود نزد آنان پذیرفته شد» (همو، ۶۱) اشکال بلاشر در این بحث آن است که

کرده و آن را به عنوان واقعیتی مسلم می‌پذیرد، وی اختلاف قراءت سربازان کوفه و گزارش امیر حدیفه - پس از بازگشت از جنگ ارمنستان - به عثمان را انگیزه این جمع توصیف می‌کند (همو، ۷۱). به دنبال پذیرش درخواست حدیفه توسط عثمان هیئتی مرکب از زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث مسئول تهیه یک نسخه مجدد از وحی می‌شوند. (همانجا) بنا به تحلیل بلاشر مبنای کار هیئت استفاده از همان قرآنی بود که در دوران ابوبکر فراهم شد. و اینک در اختیار حفصه قرار داشت. اما دلیل این کار چه بود؟ به عقیده بلاشر قرآن ابوبکر - نسبت به قرآنهای سایر صحابه - امتیاز خاصی نداشت (همانجا، ۷۵) جز آنکه او به این وسیله از وجهه‌ای که دو خلیفه پیشین، ابوبکر و عمر در اقدامات خود کسب کرده بودند، استفاده کرد و بدین وسیله خود را وارث اعقاب بزرگ معرفی کرد، علاوه بر آن عثمان از این حیث و از بسیاری جهات دیگر کار پیشقدمان خود را دنبال کرد. بدین سان خطر تفرقه اگر هم بتمامی از بین نمی‌رفت، لااقل تقلیل می‌یافت. (همانجا، ۷۷ و ۷۸)

اما مهمترین موضوع در تحلیل بلاشر از « جمع قرآن در دوران عثمان » توجه به ترکیب اعضای هیئت جمع کننده قرآن است که سه نفر مکی و یک نفر مدنی هستند. به عقیده بلاشر اقدام عثمان در این خصوص کاملاً سنجیده و سیاسی بود به این صورت که: «اگر ترکیب این هیأت را به دقت مورد بررسی قرار دهیم، به قسمتی که سنت مورد قبول اسامی آنها را به ثبت رسانده، می‌توانیم به حدسی برسیم. خلیفه که روح این اقدام است مردی است پرهیزکار ولی محجوب و در برابر نفوذ اطرافیان سخت تأثیر پذیر. نماینده واقعی اشراف مکه، کار خود را وابسته به این اشرافیت آغاز کرد. در این انجمن کسی جز فدائیان منافع شهر مقدس وجود نداشت. سه نفر مکی که در این هیأت وجود دارند نیز از اشرافند. سعید، عبدالرحمن و ابن‌زبیر همه از اقوام خلیفه و در میان خودشان نیز از طریق زنهایشان قوم و خویش و با منافع مشترک گردهم جمع شده‌اند. اینها نمی‌توانستند متنی قرآنی تدوین کنند جز به نحوه‌ای که در شهر خودشان رایج بود. زید شخصاً با وجودی که اهل مدینه بود، از این جهت

خود را کم از آنها نمی دانست. بدلائل زیادی کار را بر پایه مصحف دیگر آغاز کردن، کار درستی نبود. مصحف «ابی» کار یک نفر مدنی بود که به شهر زادگاهی خویش وفادار مانده بود. مصحف ابوموسی اشعری مرهون ابتکار فردی از اهالی عربستان جنوبی، مصحف ابن مسعود مرهون شور یک نفر شبان محبوب و مصحف علی رضی الله عنه نیز مربوط می شد به ادعاهای یک گروه مخالفی که به وسیله اقوامش ابراز می شد. بنابراین قصد عثمان و هیأت او کاملاً روشن است. مطالب اصلی بر سر این بود که تاج افتخار تهیه، یک نص قرآنی را برای جامعه اسلامی، بر سر یک دسته مکی بگذارد. این اقدام نظر خاص این هیأت را در مورد طرد شخصیت های شایسته ای چون علی رضی الله عنه و ابی و عده دیگر بطور مسلم آشکار می نماید. از این به بعد اثری بچشم نمی خورد که این شخصیت ها، کمسیون را از این که عالمی متن قرآنی را مقلوب ساخته باشد، سرزنش کرده باشند. ولی بعدها یک گروه، یعنی گروهی که از قدرت مذهبی علی رضی الله عنه پشتیبانی می کند، علناً عثمان را متهم می سازد که در قرآن اشارات مزاحم

او را حذف کرده است» (همو، ۷۵ الی ۷۷ با اندکی تلخیص)

بلاشر در عین حال که شایستگی اعضای کمیته جمع قرآن را در انجام مأموریتی خطیر - با سؤال مواجه می کند، تصریح می کند که تمایل اخبار بر این است که به ما بقبولانند که متن جدید بدون اشکال و بلافاصله مورد قبول یافت. وی مخالفت عبدالله بن مسعود را در درجه اول معلول بی عدالتی و ظلمی که نسبت به او شده می داند. زیرا بنا به آنچه از او نقل شده، خود را شایسته تر از زیدبن ثابت در جمع قرآن می دانست. (همانجا)

نقد آراء بلاشر درباره جمع قرآن در زمان عثمان

تحلیل بلاشر در خصوص جمع قرآن در دوره عثمان از دو جهت قابل نقد جدی است:

الف - قضاوت بلاشر در باره ویژگی های مصاحف هر یک از صحابه از جهت انطباق با منافع قوی و قبیله ای خاص، قضاوتی نادرست و بدون دلیل است. البته حقیقتی وجود دارد و آن اینکه در مصاحف صحابه علاوه بر متون آیات، توضیحاتی هم وجود داشته که توضیحات پیامبر صلی الله علیه و آله از آیات قرآن به شمار می رفت. برخی از شواهد را (نک: مسلم، ۴۳۸/۱،

بغوی، ۲۲۰/۱، زمخشری، ۲۸۷/۱ و نیز عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۹۱/۲) و پس از جمع قرآن در دوران عثمان و سوزانده شدن مصاحف صحابه، این گونه توضیحات هم از بین رفت. (عسکری، نقش ائمه در احیاء دین، ۴۸/۱۴ الی ۵۰) میزان این توضیحات در مصاحف صحابه متفاوت بود به طوری که غنی‌ترین آنها در درجه نخست مصحف علی (عیاشی، ۲۶/۱) و سپس مصحف ابن مسعود بود (رامیار، ۳۶۲، معرفت، ۹۱) که اتفاقاً عثمان به هیچ یک از این دو مصحف دست نیافت. اما این مطلب که این توضیحات ارتباطی با منافع قومی و قبیله‌ای یا حزبی داشته، دلیل روشنی ندارد و معلوم نیست که بلاشرد با استناد به چه مدرکی مصاحف ابن مسعود، ابی بن کعب و علی رضی الله عنه را مدافع منافع گروه‌های ویژه توصیف کرده است.

ب- این موضوع که اعضای کمیته جمع قرآن در دوره عثمان، از نزدیکان عثمان و معتمدان او بوده‌اند، مطلب صحیحی است. در این حقیقت نیز نمی‌توان انکار کرد که عثمان شایسته‌ترین افراد عصر خود را جهت جمع و تدوین قرآن

دعوت به کار نکرد.° (معرفت، ۱۰۰) اما از این حقایق چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود؟ آیا انتخاب هیئتی از وابستگان خلیفه، بر حذف آیات قرآن و به تعبیر بلاشرد اشارات مزاحم عثمان تأثیر گذاشته است؟ اگر مقصود بلاشرد جدا سازی تبیینات پیامبر صلی الله علیه و آله از صحفه مصاحف بوده، که مطلب درستی است. اما اگر وی معتقد به حذف آیاتی از قرآن و تحریف به نقصان در مصاحف عثمانی است، در این صورت پذیرش قرآنهای عثمانی از سوی عموم مسلمانان به ویژه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله چه توجیهی دارد؟ جز این است که آنان مطمئن شدند که جمع و تدوین قرآن به درستی انجام شده و قرآن بدور از زیاده و نقصان جمع شده است؟ این نتیجه گیری وقتی قوت پیدا می‌کند که در نظر گیریم پس از عثمان، علی رضی الله عنه به تصور بلاشرد از رقبای علی رضی الله عنه - به خلافت رسید و در صورتی که جمع آن توسط عثمان را کاری ناموجه و حاصل آن را غیر قابل قبول دانسته بود، بدون تردید به جبران آن اقدام می‌کرد، (تفصیل استدلال را نک: صاحب المبانی، ۷۸) در صورتی که - همانگونه که گذشت - واکنش

علی علیه السلام و سایر امامان شیعه نسبت به قرآن موجود همواره تأیید و توصیه به مراجعه به آن بوده است و آنان همین قرآن را ترجمان حقوق خود می دانسته اند.

نتایج مقاله

- ۱ - مطالعات قرآنی خاور شناسان نیازمند شناسایی و نقدهای اساسی است.
- ۲ - بر خلاف اندیشه های رژی بلاشر قرآن کریم در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله به تمامی مکتوب گردید. این موضوع مورد اتفاق نظر قرآن پژوهان مسلمان قرار دارد.
- ۳ - قرآن کریم در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله به طور جامع تدوین شد. این موضوع گرچه از نظر بسیاری از قرآن پژوهان مطلبی اختلافی است، اما علاوه بر نصوص تاریخی متعدد که از بزرگان شیعه و سنی مبنی بر تدوین کامل قرآن در عهد پیامبر در کتابها به چشم می خورد، مورد اتفاق بسیاری از محققان معاصر شیعه از جمله آیه الله خویی، سید مرتضی عسکری، سید جعفر مرتضی عاملی و علی کورانی قمی قرار دارد.
- ۴ - جمع قرآن در دوره خلافت ابوبکر، اقدامی تاریخی است که انگیزه آن نیت شخصی خلیفه و رقابت طلبی وی با

دیگر صحابه بوده است، قرآن ابوبکر به همین سبب کاربرد اجتماعی نیافت.
۵ - بر خلاف نظر و دیدگاه بلاشر جمع قرآن در دوره عثمان اقدامی صرفاً حکومتی نبود و نمی توان مصاحف عثمانی را انعکاسی از منافع قوم و دسته خاص از جمله قریش به شمار آورد. و این امر بر خلاف پذیرش عمومی قرآن عثمانی از ناحیه تمام صحابه و تواتر قرآن است. - که مورد اتفاق مسلمانان است - هدف از جمع قرآن توسط عثمان از بین بردن اختلاف قراءات در آن دوره بود که این هدف تحقق یافت.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن ماجه، محمدبن يزيد، السنن، بيروت، دارالكتب العلميه، بی تا
۳. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن به ترجمه محمود راميار، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۶۳ هـ. ش
۴. ابن ابی داود، عبدالله بن سليمان، المصاحف، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۵ هـ. ق
۵. ابن اثير جوزی، عزالدین، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۹ هـ. ق
۶. بخاری، محمدبن اسمعیل، صحیح بخاری، بيروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ هـ. ق
۷. بغوی، حسین ابن مسعود فرأء، معالم التنزیل، بيروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ هـ. ق
۸. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بيروت، دارالفكر، ۱۴۲۲ هـ. ق
۹. حمدی زقزوق، محمود، الاستشراق و الخلفیه الفکریه، قاهره، دارالمنار، ۱۴۰۹ هـ. ق
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بيروت، دار الزهراء، ۱۴۰۸ هـ. ق
۱۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ هـ. ش
۱۲. زمخشری، جارالله محمود، الکشاف عن غوامض...، بيروت، دارالكتاب العربی، ۱۴۰۷ هـ. ق
۱۳. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بيروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۱ هـ. ق
۱۴. سباعی، مصطفی، الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما علیهم، بيروت، دارالوراق، ۱۴۲۲ هـ. ق
۱۵. سجستانی، سلیمان اشعث، السنن، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
۱۶. سیوطی، جلال الدین، قم، منشورات رضی، بیدار، ۱۳۳۳ هـ. ش
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت، منشورات اعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ هـ. ق
۱۸. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، بيروت، دارالتراث العربی، ۱۳۷۸ هـ. ق

۱۹. عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ. ق
۲۰. همو، نقش ائمه در احیاء دین، تهران، نشر مجمع علمی اسلامی، ۱۳۷۵ هـ. ق
۲۱. علی الصغیر، محمدحسین، دراسات قرآنیة، قم، مکتب الاعلام الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ. ق
۲۲. عاملی، جعفر مرتضی، حقایق هامه حول القرآن الکریم، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ. ق
۲۳. عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ هـ. ق
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ. ش
۲۵. معارف، مجید، درآمدی بر تاریخ قرآن، انتشارات نباء، ۱۳۸۳ هـ. ش
۲۶. همو، درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب شناسی آن، تهران، فصل نامه پژوهش دینی، شماره ۹، ۱۳۸۴ هـ. ش
۲۷. معرفت، محمد هادی تاریخ قرآن، انتشارات سمت، ۱۳۷۵ هـ. ش
۲۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ هـ. ق
۲۹. صاحب المبانی و ابن عطیه، مقدمتان فی علوم القرآن، به تصحیح آرتور جفری، مصر، مکتبه الخانجی، ۱۹۵۴ هـ. ق

صفحه سفید

نقد و بررسی آراء بلاشردرباره جمع و تدوین قرآن □ ۱۲۰

^۱. این مقاله در ارتباط با طرح پژوهشی نقد و بررسی آراء بلاشر درباره جمع و تدوین قرآن مصوب دانشکده الهیات و معارف اسلامی در سال ۱۳۸۴ تحقیق و نگارش شده‌است.

^۲. رژی بلاشر از دانشمندان معاصر فرانسوی است که در خصوص قرآن مجید، ادبیات عرب و دیگر مباحث علوم اسلامی صاحب آثار متعددی اعم از تالیف و مقاله می‌باشد. مهم‌ترین کار او در حوزه مطالعات قرآنی، ترجمه کامل قرآن به زبان فرانسوی است. او نهایت تلاش خود را به کار برده تا ترجمه‌اش در سر حد اعتدال و در کمال فصاحت باشد. ترجمه او یکی از بهترین ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی شناخته شده است. او به عنوان مقدمه این ترجمه، تحقیقاتی در خصوص تاریخ و علوم قرآنی انجام داده‌است که تبحر او را به مباحث پیرامون قرآن نشان می‌دهد. این مقدمه به خوبی نشان دهنده آن است که تا چه حد او حتی به لهجه‌های بدوی و مکی و مدنی تسلط داشت. رژی بلاشر در مطالعات قرآنی خود از آثار و افکار نولدکه آلمانی و برخی دیگر از مستشرقان سود جسته‌است. ضمن آنکه خود نیز به منابع تاریخی و حدیثی مسلمانان مراجعه مستقیم داشته‌است. وی در عین حال در آثار خود تلاش کرده‌است همواره به عنوان محقق منصف و بی‌طرف جلوه نماید و از ابتدا به انگیزه زیر سوال بردن قرآن و تخریب آثار اسلامی گام برندارد. اما در عین حال تحقیقات او در زمینه قرآن شناسی لاقفل در مقایسه با عقاید و تحلیل‌های مسلمانان خالی از اشکال

نیست. گرچه کتاب بلاشر خالی از حملات تند و بی‌رویه‌ای است که در فضای استشراق وجود دارد، اما با وجود تلاش برای بی‌طرفی، بلاشر در مطالعات اسلامی به شدت تحت تاثیر مخالفان شیعه است. چرا که اول بار، اروپائیان از راه دنیای تسنن و آثار آنان با اسلام و حتی تشیع آشنا شدند. لذا در مواردی می‌بینیم که بلاشر از سهم عظیم شیعه در اسلام بی‌خبر و ناآگاه مانده‌است و این به این دلیل است که به هر حال او فردی است غیر مسلمان و از کنه و حقیقت بسیاری از مطالب دور است. در عصر حاضر دکتر محمود رامیار دیدگاهها و تحقیقات قرآنی رژی بلاشر را به فارسی روان ترجمه کرد و تلاش نمود که از طریق نگارش پاورقی‌های علمی نقدهای لازم را به افکار و عقاید بلاشر وارد نماید. این کتاب با عنوان «در آستانه قرآن» توسط نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده‌است. جهت اطلاع بیشتر از زندگی و افکار بلاشر ر.ک به همین کتاب ص ۳ الی ۵

^۳. در عصر حاضر خاورشناسان به مطالعات وسیعی درباره قرآن دست زده و منشأ آثار گوناگونی شده‌اند. خاورشناسان از جهت اهداف و انگیزه و در نتیجه ظهور آثار و افکار علمی در یک سطح قرار ندارند. آنان با انگیزه‌های استعماری، تجاری، دینی یا تبشیری، اقتصادی و علمی به مطالعه اسلام پرداخته و آثاری به وجود آورده‌اند (حمدی زقزوق، ۸۸ الی ۸۹، علی الصغیر، ۱۵ الی ۲۱، سباعی، ۲۰ الی ۳۱) لذا مستشرقان طیف وسیعی از غرض‌ورزان معاند تا محققان منصف را تشکیل می‌دهند. اما بررسی آثار خاورشناسان نشان می‌دهد که قرآن پژوهی آنان حتی اگر با انگیزه علمی و به دور

از غرض‌ورزی هم باشد باز با اشکالات متعددی همراه است که اهم آنها عبارتند از:

الف- داشتن پیش فرض‌های خاص نسبت به عقاید مسلمانان

ب- مراجعه به مطلق منابع اسلامی و عدم طبقه‌بندی آنها از جهت اعتبار

ج- تقدم نقدی متنی روایات بر نقد سندی آنها، آنهم با تکیه بر پیش فرض‌های خودشان

د- برداشت‌های نادرست از آیات و روایات به دلیل عدم آشنایی با زبان عربی و فرهنگ مسلمانان

ه- عدم جامع‌نگری نسبت به همه قرائن قرآنی، حدیثی، تاریخی در مسئله مورد تحقیق.

این حقائق ضرورت مطالعه آراء خاورشناسان و نقد علمی آنها را بیش از پیش توسط قرآن-شناسان متعهد و آگاه نشان می‌دهد. و در این مقاله به عنوان گامی کوچک آراء رژی بلاشر مورد مطالعه و نقد قرار گرفته‌است. (جهت اطلاع بیشتر از قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب‌پذیری آن بنگرید به معارف، پژوهش دینی، شماره ۹، ص ۴۱ الی ۶۲).

۴. آقای محمود رامیار در نقد دیدگاه بلاشر نوشته است: «چطور امکان دارد رئیس جامعه‌ای که بنیانگذار نظام تازه‌ای است برای اجتماع بشری، و تا آخرین لحظه حیات، حتی در بستر مرگ دمی از تحکیم مبانی اساسی جامعه غافل نمانده، از مسأله جانشینی خود و ادامه شریعتی که بنیان نهاده غافل باشد؟ کسی که ختم پیغمبران است و شریعتی آورده که تا زندگی باقی است، آن شریعت زنده و پویا و پا برجا خواهد بود، چطور امکان دارد که از تداوم رهبری اجتماع پس از خود غفلت کند و مردم نومسلمانی را که تازه دل در گرو اسلام بسته‌اند و مذهبی را که تازه بیست و چند سال از پیدایشش گذشته، بدون عنایت به آینده

جامعه بشری، بگذارد و برود. هر فرد عادی به فکر نسل‌های بعد از خود است که لااقل ترکه و میراثش چه می‌شود. آن وقت معلم بشریت و رهبر جامعه انسانی، به زندگی فردای انسانها بی‌اعتنا باقی می‌ماند، و یا خداوند کریم، تنها برای برهه‌ای از زمان پیامبر می‌فرستد و بعد لطف و رحمتش فراموش می‌شود و مردم یله و رها می‌شوند بر خلاف نظر بلاشر، فکر جانشینی پیامبر اکرم(ص) وجود داشته و از همان آغاز اسلام هم وجود داشته است. از همان وقت که پیامبر اکرم کودک نوسالی مانند علی(ع) را به خانه خود می‌برد و از همان کوچکی چون کودک خود سرپرستی و تربیت می‌کند و پایه‌های خود تا آخرین لحظه حیات بدون لحظه‌ای غفلت همراه می‌دارد و بارها و بارها به مردم تأکید می‌کند که هر که را من مولای اویم، علی مولای اوست. نکته دیگری که این قبیل اظهار نظرها نشان می‌دهد، میزان این دسته از دانشمندان، از طرز تفکر اسلامی به خصوص شیعه است. (همو، ۱۲)

۵. آقای معرفت می‌نویسد: «کمیته چهار نفره جمع قرآن در زمان عثمان با توجه به خطیر بودن مأموریت از عهده انجام این کار برنیامدند و برای انجام کاری در این حد مهم، به افرادی کارداران و با کفایت نیاز داشتند، لذا از ابی بن کعب، مالک بن ابی عامر، کنیربن افلح، انس بن مالک، عبدالله بن عباس، مصعب بن سعد، عبدالله بن فطیمه و به روایت ابن سیرین و ابن سعد و دیگران از پنج تن دیگر که جمعا دوازده نفر بودند کمک گرفتند (همو، ۱۰۰ با تکیه بر مصادر مختلف) با توجه به این حقیقت توحید مصاحف در دوره عثمان توسط یک کمیته چهار نفره به شکل انحصاری که حافظ منافع عده‌ای خاص باشد، از اساس متفی است.